

اخبار مستند به «شیاع» به عنوان دلیل اثبات

محمد ابوعطا* / آرمان بهارلو**

چکیده

در فقه امامیه، اظهار و اخبار مبتنی بر شیاع و شهرت عمومی، ذیل عنوان شهادت و به عنوان یکی از ادله اثبات دعاوی و مرافعات، معرفی و نوعاً به تفصیل، مورد بررسی متقدمان و متأخران فقها واقع شده است؛ گرچه از جهاتی به ویژه لزوم حصول ظن یا علم بر مبنای شیاع و گستره اثباتی مصداقی آن، اختلافاتی میان اندیشمندان فقه امامیه مشهود است. با توجه به سکوت مقررات ناظر به ادله اثبات دعوا در قانون مدنی و قانون آئین دادرسی مدنی در مورد شیاع، نقش و اعتبار این دلیل فقهی که البته در حقوق برخی دیگر از کشورها نیز با اصطلاحاتی خاص، مورد اشاره و شناسایی قرار گرفته است، در نظم حقوقی کنونی ایران و طبعاً در رسیدگی های قضایی محل بحث و نظر بوده و هست. با دقت در منابع و سوابق فقهی، نظریات حقوقدانان و مستفاد از پاره ای از احکام ناظر به دلایل اثبات در قانون مدنی و قانون آئین دادرسی مدنی، به نظر می رسد که اخبار و اعلام مستند به شیاع - که از جهتی با شهادت و از جهتی دیگر با تحقیق محلی رابطه نزدیک دارد - علی الاصول در دعاوی و محاکمات حقوقی، در مقام دعوا یا دفاع و بدون محدودیت، قابل طرح و استناد باشد.

کلیدواژه: شیاع، تحقیق محلی، اثبات، شهادت، دلیل

* دانشیار حقوق خصوصی دانشگاه سمنان (نویسنده مسئول) abouata@semnan.ac.ir

** کارشناس ارشد حقوق خصوصی

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۲/۲۲ - پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۰۹/۲۹

۱- مقدمه

غایت دادرسی مدنی، کشف حقیقت و بنابر نظری، فصل خصومت میان طرفین است. انجام این روند، علی‌الأصول منوط به آن است که «هر کس مدعی حقی باشد، باید آن را اثبات کند...» (ماده ۱۲۵۷ ق.م)؛ قانونگذار در تمهید مقدمات این مهم، دلایل اثبات دعوا را در ماده ۱ قانون مدنی، ظاهراً در پنج عنوان: اقرار، اسناد، شهادت، امارات و قسم احصاء کرده و در مواد ۱۲۵۹ تا ۱۳۳۵ این قانون، احکام ناظر به شرایط اعتبار و توان اثباتی هر کدام را مقرر کرده است. در عین حال، اداره قضایی دلایل و شیوه استعمال آنها در دادرسی، در مواد ۱۹۴ به بعد قانون آئین دادرسی مدنی تبیین شده است. برای مثال، ماهیت و شرایط وقوع اقرار، قدرت اثباتی و الزام ناشی از آن، از قواعد ماهوی مذکور در قانون مدنی است، اما روش بیان اقرار و اعتبار رأی که بر اساس اقرار صادر می‌شود از جمله قواعد شکلی و تشریفات دادرسی است. یکی از این ادله که در روزگار کنونی نیز نقشی قابل توجه در اثبات دعوا و دفاع از آن دارد، شهادت است. با نگاهی اجمالی به منابع تحلیلی فقه امامیه، مشخص می‌شود که اندیشمندان، علاوه بر تبیین شهادت در مفهوم خاص کلمه، دو موضوع: شهادت بر شهادت و شهادت مبتنی بر شیاع را نیز در قالب و ذیل آن بررسی کرده و نوعاً بر حجیت این دو عنوان هم صحه گذارده اند. از این میان، شهادت بر شهادت در ماده ۱۳۲۰ قانون مدنی و با تفصیل بیشتر، در ماده ۲۳۱ قانون آئین دادرسی مدنی پذیرفته شده است اما در مقررات مذکور، گواهی مبتنی بر شیاع، مورد تجویز و اشاره مقنن واقع نشده و بدین ترتیب، جایگاه و نقش آن به عنوان دلیلی برای اثبات دعاوی، ظاهراً با ابهام و تردید مواجه است. مقاله حاضر، به همین موضوع اختصاص یافته و علاوه بر بررسی تحلیلی مفهوم و ماهیت شیاع و شرایط اعتبار و قلمرو اثباتی اظهارات مبتنی بر آن در فقه، امکان پذیرش و اعمال آن از بُعد نظری و عملی و به عنوان یکی از ادله اثبات دعاوی حقوقی در محاکم دادگستری مطالعه شده است.

۲- مفهوم شیاع

ماده «شیع»، از نظر لغوی (کتاب العین/۲/۱۹۰؛ لسان العرب/۱۸۸/۸؛ تاج العروس/۱۱/۲۵۶) در دو صیغه و ساختار: یکی «شیاع» و دیگری «شاع» بکار رفته است: «شیاع، شایعه، شیاعاً»، به مفهوم تبعیت و پیروی کردن. شیع و شیعه نیز از همین صیغه است به معنی پیرو و تابع. اما «شاع، شیعاً، شیوعاً و شیعاناً» به معنای منتشر و آشکار شدن میان مردم چنان که می گویند «شاع الخبر». بدینسان، این صیغ، از هم متمایز بوده و وجوه استعمالی مستقلی دارند. در خصوص صیغه و مفهوم اخیر واژه، از جمله آیه ۱۹ سوره نور می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا، لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ: آنان که دوست دارند فحشاء در میان مؤمنین، شایع و آشکار شود آنها را عذابی است دردناک.»

همچنین پاره ای از بزرگان فقه امامیه، در باب مفهوم شیاع، به روایاتی از معصوم در این زمینه اشاره کرده اند. امام صادق (ع) می فرماید: «الفطر يوم يفطر الناس، الاضحى يوم يضحي الناس و الصوم يوم يصوم الناس (تهذيب الاحكام/۴/۳۱۷): فطر روزی است که مردم افطار می کنند، و عید قربان روزی است که مردم قربانی می کنند، و روزه روزی است که مردم روزه می گیرند». همچنین می فرماید: «صم حين يصوم الناس و أفطر حين يفطر الناس فإن الله عز و جلّ جعل الأهلّة مواقيت (همان/۱۶۴): روزه بگیر وقتی مردم روزه می گیرند و افطار کن وقتی مردم افطار می کند، زیرا خداوند عز و جلّ، هلال ماه ها را برای تعیین وقت قرار داده است.»

در فقه با استفاده از تعریف بعضی از فقها از شیاع در باب شهادت، می توان چنین فهمید که منظور، شایع شدن خبر به اندازه ای است که مفید ظنّ قوی و قریب به علم باشد (الجواهر الفخریة/۵/۴۲۹؛ الزّیّده الفقهیة/۱۷۲/۴) همچنین نوشته اند: «الشیاع عبارة عن إشاعه الشیء» (مصباح الهدی/۸/۳۶۲)؛ پاره ای از فقها هم با تأکید بر همین مفهوم شیاع، آن را معادل استفاضه به شمار آورده و گفته اند: «از استفاضه که شیاع هم نامیده می شود، غالباً آرامش نفس و اطمینان نسبت به مضمون آن پیدا می شود» (جواهر الکلام/۴۰/۵۵). در واقع، از نظر فقهی، شهادت مبتنی بر شیاع، گواهی بر مبنای شهرت عمومی و رایج بین

مردم در خصوص موضوع شهادت است و شاهد، بر خلاف فرض شهادت به معنای خاص کلمه، لزوماً به وسیله حواس ظاهری خود در مورد شهادت اطلاع نیافته است (بلغه الفقهیه/۳/۳۵۹). برای مثال، در دعوی وقفیت ملکی، شخصی، بر مبنای شهرت عمومی و با اعتماد بر باور شایع، بر وقفی بودن آن ملک شهادت می‌دهد. به عبارت دیگر، او از وقوع وقف بر مبنای علم ناشی از مشاهده یا استماع خود، خبر نمی‌دهد، بلکه منبع اصلی گواهی و اظهارات او، شهرت و اعتقاد عمومی نسبت به وقفی بودن ملک است^۱ (کنز الفوائد/۳/۵۵۳).

از منظر علم اصول، شیاع به معنای خبر گروهی از افراد است که بیش از سه نفر بوده و از حدّ تواتر کمتر باشند (أصول الفقه/۲/۱۴۵) همچنین گفته شده، شیاع، خبر تعدادی از افراد است که موجب علم نیست و در نتیجه، نقل حدیث به این شکل را خبر مستفیض گویند (کتاب القضاء/۱/۹۳). در واقع، خبر مستفیض (شیاع) از نظر اعتبار، مانند خبر واحد است و به حدّ تواتر نمی‌رسد (إعانه الطالبین/۳۰۲/۴) در اعتبار خبر واحد به طور کلی و همچنین خبر مستفیض، اختلاف و تردیدهایی هست. مطابق نظر مشهور اصولی ها، تنها خبر واحد همراه با قرائن و اوضاع و احوال خارجی که در صدق و درستی آنها تردید نباشد معتبر است (فرائد الاصول/۱/۷۷؛ دراسات فی علم الاصول/۳/۱۵۱).

۳- حجیت اخبار مستند به شیاع

در حقوق موضوعه ایران، اشاره ای به اظهار مستند به شیاع به عنوان یکی از ادله اثبات دعوا نشده است. حقوقدانان نیز بحثی جامع و مستوفی در خصوص آن مطرح

۱- مفهوم شیاع و شهرت عمومی، در حقوق برخی از کشورها، با اصطلاحاتی خاص تبیین می‌شود. در حقوق آمریکا و انگلیس (Oxford Dictionary of Law/251) با عنوان (hearsay)، در حقوق فرانسه (Introduction General au Droit/ 584) با عنوان (commune renommee) و در حقوق مصر (الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، نظریه الالتزام بوجه عام/۲/۳۱۴) با عنوان (الشهادة بالتسامع) مشهور است.

نکرده اند هر چند اشاراتی به آن داشته اند. از جمله ضمن اعلام این که مفهوم عرفی شهادت، اخبار مستند به شهرت و تواتر را نیز شامل می شود و بدین سان، چنین اعلامی را داخل در مفهوم شهادت می دانند، در مورد حجیت و دلالت آن نیز گفته اند: «در پاره ای موارد، جز از راه تکیه بر شهرت و اعتماد عمومی، نمی توان به واقع دست یافت و استماع چنین شهادتی، گاه مورد نیاز عمومی است و عرف آن را معتبر می شمارد. تمایل عمومی بر این است که در بعضی فرض ها، شهادت مبتنی بر شایع و تسامع پذیرفته شود. به عنوان مثال، فرزندی متوکل می شود و جز معدودی، این واقعه را ندیده اند ولی جمع کثیری می دانند که کودک، فرزند آن خانواده است. پس در دعاوی نسب چنین کودکی، اگر شهادت مبتنی بر شهرت و شایع پذیرفته نشود، حَقْکَزاری به خطر می افتد...» (اثبات و دلیل اثبات/۲۲/۲).

در استلال بر حجیت شایع، عده ای از فقها نیز بر اجتناب ناپذیر بودن و ضرورت استناد به این دلیل برای اثبات پاره ای دعاوی و موضوعات تأکید کرده اند. از این منظر، در برخی امور، به دلیل شرایط وقوع یا سپری شدن مدت طولانی از بروز آنها، امکان اقامه شهادت مبتنی بر حواس ظاهری وجود ندارد. در چنین مواردی، در صورتی که شایع و اشاعه خبر مربوط به وقوع آنها بین مردم، در امر اثبات، نقشی نداشته باشد بسیاری از حقوق مردم از بین رفته و تضییع خواهد شد (المبسوط/۸/۸۰؛ القضا و الشهادت/۷۷؛ مفاتیح الشرائع/۳/۲۸۷). صاحب جواهر نیز در مقام تأیید حجیت شایع چنین اشعار می دارد: «از طریق شایع، غالباً قبل از حاصل شدن مقتضای شک، اطمینان خاطر و آرامش نفس پیدا می شود و این امر، سیره مشهوری است که نزد عموم در جریان است» (جواهر الکلام/۱۲۴/۴۰). همچنین در ادامه می گوید: «در شیاعی که برای تعدیل شاهد مورد استناد قرار می گیرد، برخلاف جرح، غلبه ظن کافی است که این ظن نیز از طریق هم نشینی و معاشرت قدیمی شاهد و مزگی، امکان پذیر و کافی است» (همان). لازم به ذکر است که فقها، میان شایع و شهادت به معنای خاص کلمه، تفاوت قائل بوده، اما کم تر به تشریح اختلافات آنها پرداخته اند. یکی از فقهای معاصر، تفاوت این دو نهاد را در لزوم وجود

عدالت و علم حسّی در شهادت و عدم لزوم این شرایط در شیاع اعلام کرده است (کتاب الشّهادات/۱/۱۴۵). عده‌ای از حقوقدانان، تفاوت شیاع را با شهادت، در مقید بودن شهادت به عدد خاص و شرط عدالت شهود و نامحدود بودن موضوع شهادت دانسته‌اند (دائرة المعارف علوم اسلامی قضایی/۱/۸۵۴) گروهی دیگر، ضمن برابر دانستن شیاع با تحقیق محلی، تفاوت آنها را با گواهی، در مستند بودن گواهی به آن چه گواه با حواسّ خود به طور مستقیم درک کرده و مبتنی بودن اطلاعات اهل محلّ، بر آن چه که از دیگران شنیده اند اعلام کرده اند (حقوق مدنی/۶/۲۴۳؛ دائرة المعارف علوم اسلامی قضایی/۸/۵۰۸). نویسنده ای دیگر، شیاع را مربوط به موارد عدم احراز شرایط گواه شناخته است (ادکّه اثبات دعوا در امور کیفری و مدنی/۱۷۷). در واقع، با وجود این که شیاع، از جهتی با شهادت شهود و تحقیق محلی، مشابه و یا مرتبط است، اما بر خلاف این دو دلیل اثباتی که در قوانین به صراحت ذکر شده اند (مواد ۱۳۰۹ تا ۱۳۲۰ قانون مدنی و مواد ۲۲۹ تا ۲۴۷ قانون آئین دادرسی مدنی درباره گواهی و مواد ۲۴۹ تا ۲۵۶ قانون آئین دادرسی مدنی درباره تحقیق محلی)، در قوانین مذکور و سایر مقررات مربوط، صراحتاً مورد اشاره و پذیرش قرار نگرفته است.

۴- شهادت و گواهی مستند به شیاع

در شهادت و گواهی مستند به شیاع، به طور معمول، عده ای در مورد آن چه که مورد اختلاف بین طرفین است، اظهاراتی را به نفع یکی از طرفین و به ضرر طرف دیگر بیان می کنند. به عبارت دیگر، در این دو، از این جهت که اشخاصی، خبر از واقعیت هایی می دهند که عملاً تأیید موضع یکی از اصحاب دعوا است مشترک هستند. بدینسان، بررسی دقیق شیاع و شهادت و تبیین وجه افتراق اصلی آنها ضروری به نظر می رسد.

در تعریف شهادت، آن را اعلام اظهارات فردی از یک واقعه دانسته اند که خود ناظر و شاهد آن رویداد بوده است در حالی که در تبیین شیاع، آن را خبر دادن

تعدادی از افراد از واقعه ای که از آن طریق، ظن غالب بر راستگو بودن آنها ایجاد می‌شود تعریف کرده اند (الاصطلاحات الفقهیه فی الرسائل العملیه/۱۱۹). به نظر می‌رسد که همین سنخ از تعاریف باعث شده است که شهادت گواهان، بینه و دلیل به معنای اخص دانسته شده و شیاع، آماره تلقی شود، چراکه زیاد شنیدن خبر یک موضوع از افراد مختلف، در مقابل اخبار اشخاصی که به عنوان شاهد و ناظر بلافصل یک موضوع، اظهاراتی را درباره آن بیان می‌کنند اولویت ندارد. در واقع، آن چه که در تعیین ماهیت شیاع مؤثر است، عنصر سازنده آن است که به صورت شهرت و اعتقاد عمومی نسبت به وقوع امری ظاهر می‌شود، ولی عنصر اصلی شهادت، کسب اطلاعات از یک واقعه به وسیله حواس ظاهری و اعلام بدون واسطه است. به تعبیری، «گواه، به طور مستقیم، واقعه ای را دیده یا سخنی را شنیده یا به گونه ای دیگر از راهی محسوس درک کرده است و آن چه را دریافته و بدان علم پیدا کرده است بیان می‌کند» (اثبات و دلیل اثبات/۲/۹۵) اما در شیاع، اظهارات مطلع و شاهد، نوعاً به طور غیر مستقیم و با واسطه است؛ مثل این که بگوید: «سالیان دراز است که همه، خواننده را مالک می‌شناسند و محصول باغ را از او می‌خرند». آن چه گفته شد نباید باعث خلط مفهوم شیاع با شهادت بر شهادت شود. شهادت بر شهادت، نوعی گواهی است که شاهد اصلی، مشخص است و شاهد فرعی، موضوع شهادت را از او شنیده و از قول وی بیان می‌کند؛ در حالی که در شیاع، منبع اظهارات شخص، شهادت شخص خاصی نیست بلکه «تسامع» است (ادله اثبات دعوا/۲۹۰ به بعد) جدای از این، در قانون مدنی، شهادت بر شهادت به عنوان دلیلی استثنایی و محدود به رسمیت شناخته شده است. حسب ماده ۱۳۲۱ این قانون: «شهادت بر شهادت، در صورتی مسموع است که شاهد اصلی، وفات یافته یا به واسطه مانع دیگری مثل بیماری و سفر و حبس و غیره نتواند حاضر شود». ماده ۲۳۱ قانون آئین دادرسی مدنی نیز با تأیید همین حکم، آن را از جهت نوع دعوا نیز محدود کرده است. طبق ماده مرقوم: «در کلیه دعاوی که جنبه حق الناسی دارد اعم از امور جزایی یا مدنی (مالی و غیر آن)

... هرگاه به علت غیبت یا بیماری، سفر، حبس و امثال آن، حضور گواه اصلی متعذر یا متعسر باشد، گواهی بر شهادت گواه اصلی مسموع خواهد بود.^۱

به طور معمول، شهادت از طریق شیاع، در مواردی که معمولاً امکان دیدن و شنیدن واقعه ای برای همه وجود ندارد مثل تولد و مرگ، مورد استناد قرار می گیرد، در حالی که عنصر اصلی گواهی شهود، درک یا حس موضوع از طریق یکی از حواس ظاهری (و نه الزاماً بینایی و شنوایی) می باشد که در بسیاری از امور و مسائل جاری و غالباً به طور نامحدود، قابل تحقق و استناد است. لازم به ذکر است که در حقوق آمریکا، انگلیس، فرانسه و مصر نیز شیاع، ذیل عنوان کلی و مبحث شهادت بررسی شده و البته جز در موارد معدود و استثنایی، دلیل شناخته نمی شود.^۱

۵- شیاع و تحقیق محلی

از نظر بعضی از حقوقدانان، تحقیق محلی مندرج در قانون آئین دادرسی مدنی، همان شیاع مذکور در حقوق اسلامی است که در آن، اهل محل، اطلاعات خود را برای دادرس بیان می کنند، خواه منشأ آن اطلاعات مانند گواهی، استنباطات یا محسوسات خود گواه باشد، یا به طور غیر مستقیم و از دیگری شنیده باشد (حقوق مدنی ۲۱/۶؛ ادکه اثبات دعوا در حقوق ایران/۱۵۶). هرچند یکسان دانستن شیاع و تحقیق محلی، از این جهت که شیاع، در فقه امامیه، قسمی از شهادت تلقی شده و ذیل همین عنوان

۱- در فرهنگ حقوقی بلک، شیاع از منظر کامن لا چنین تعریف شده است: «شهادتی است که از سوی گواهی ادا می شود که نه آن چه را که شخصاً دیده است بلکه آن چه دیگران گفته اند را اظهار می کند؛ بنابراین به اعتبار کسی جز گواه وابسته است» (Black Law Dictionary/ 739). در حقوق فرانسه نیز در تعریف آن گفته اند: شیوه سنتی اثبات است که به طور استثنایی پذیرفته می شود و عبارت است از گردآوری اظهارات اشخاصی که برخلاف شهادت، آگاهی شخصی موضوعی از چیزی ندارند بلکه بر حسب اعلامات دیگران و اعتقاد عمومی و رایج (On-dit) درباره آن سخن می گویند (Vocabulaire Juridique, 1996, 161).

مطالعه می شود (القواعد الفقهیه/۲/۷۰؛ مهذب الاحکام/۴/۲۳۶؛ بلغه الفقیه/۳/۳۵۹) فاقد پیشینه فقهی مسلم است، اما نظر فوق، با تفکیکی که در منشأ و منبع اطلاعات اهل محل بدست می دهد، از جهتی قابل پذیرش به نظر می رسد. در تحقیق محلی، غالباً منبع اطلاعات و اظهارات افراد، اعتقاد و باور عمومی در خصوص واقعه مورد اختلاف است و آنها از وقوع رویداد مورد تنازع، خبر می دهند ولی عمدتاً نه به استناد حسّ و درک مستقیم خود. در واقع، در روند تحقیق محلی، غالباً اشخاصی که به طور مستقیم و بی واسطه، واقعه را ندیده یا نشنیده اند بلکه بر اساس شهرت و اطلاع عمومی از آن آگاه هستند، به اخبار درباره آن می پردازند؛ مانند این که بگویند: «سالیانی است که همه، ملک مورد نزاع را موقوفه می دانند». مرحوم متین دفتری نیز در بحث از تحقیق محلی، ضمن یکسان دانستن شیاع و استفاضه، بر همین نظر بوده و می گوید: «بعضی اوقات اقتضاء می کند که به گواهی عدّه ای اشخاص تمسک بشود که از امر مورد اختلاف، اطلاعاتی داشته که مستقیماً کسب نکرده و مبنای اطلاعات آنان، شهرت آن امر و مسموعاتشان است» (آئین دادرسی مدنی و بازرگانی/۱/۴۳۴). بدین سان، می توان گفت، در صورتی که اطلاعات و اظهارات اهل محل، مبتنی بر اعتقاد و باور عمومی نسبت به امری، و به تعبیر دقیق تر، شیاع باشد دو عنوان تحقیق محلی و شیاع، منطبق بر یکدیگر به نظر می رسند خواه طرفین دعوا، به طور کلی به اطلاعات اهل محل استناد کنند و اسامی مطلعین را هم ذکر نکنند. اما همان گونه که در فراز دیگر نظر فوق بیان شده است، ممکن است منبع اطلاعات اهل محل، نه باور عمومی، بلکه مشخصاً استنباطات یا محسوسات فردی آنها باشد. در این فرض نه چندان غالب، به نظر می رسد که نمی توان تحقیق محلی و شیاع را منطبق دانست بلکه اقدام مطلعین در بیان اظهارات مبتنی بر محسوسات و معلومات شخصی خود، با اعمال تسامح، مشمول عنوان و ماهیت کلی گواهی است، چراکه در تحقیق محلی نیز ممکن است مطلع (شاهد)، آن چه را که دیده یا شنیده و به تعبیری با حواسّ خود دریافته است بیان کند و از این حیث، فعل او با شهادت، طبیعتی مشترک دارد؛ مانند این که در خصوص دعوی اثبات زوجیت یا

نسب، مطلع، بدون این که گواهی مستقیم بر اصل ازدواج یا رابطه پدری و فرزندی بدهد، بگوید که به دفعات، خواهان و خوانده را دیده که با یگدیگر، وارد منزلی شده اند. با وجود این، دقت در مواد قانون آئین دادرسی مدنی در باب گواهی (ماده ۲۲۹ به بعد) و تحقیق محلی (ماده ۲۴۹ به بعد) مبین تفاوت هایی مهم در شیوه اداره تحقیق از شهود (مطلوعین) و تحقیق محلی و به ویژه، حدود اعتبار و قابلیت استناد گفته ها و اظهارات آنان است (ر.ک: اثبات و دلیل اثبات/۹۷/۲ به بعد).

با توجه به آن چه گفته شد و همداستان با پاره ای از حقوقدانان، باید بر آن بود که موضوع تحقیق محلی، عام تر از گواهی است و می تواند اطلاع شخصی و محسوس شاهد باشد یا اعتقاد عمومی و شهرت؛ و به همین اعتبار، حاصل آن، در زمره اماره های قضایی آمده است (همان/۱۰۰/۲). ماده ۲۵۵ قانون آئین دادرسی مدنی در همین خصوص اشعار می دارد: «اطلاعات حاصل از تحقیق محلی، از امارات قضایی محسوب می گردد که ممکن است موجب علم یا اطمینان قاضی دادگاه یا مؤثر در آن باشد».

۶- حصول ظن یا علم بر مبنای شیاع

در این خصوص، فقها به سه نظریه قائلند: برخی از فقها، حدوث ظن مطلق را کافی می دانند (المبسوط/۱۸۱/۸) پاره ای دیگر، حصول ظن متآخم به علم را شرط می دانند. گروه سوم، در شیاع، مانند شهادت، تحصیل علم را لازم می دانند و از این جهت، تفاوتی بین این دو قائل نیستند.

۶-۱- کفایت ظن مطلق در شیاع

از این منظر، در اخبار مبتنی بر شیاع، ظن مطلق کفایت می کند و اگر شخصی، از بیش از دو فرد عادل، چیزی را بشنود، می تواند بر مبنای آن (شیاع)، شهادت دهد؛ چراکه ثمره شیاع، ظن است و از گفته دو شخص عادل به بالا نیز ظن حاصل می شود. این گروه از فقها، در این زمینه، از جمله به دو دلیل استناد می کنند: اولاً- علم ما به زوجیت حضرت خدیجه (س) و سایر همسران پیامبر (ص)، از طریق

مشاهده نبوده است بلکه از طریق شیاع به این موارد دست پیدا کرده‌ایم. همچنین وقف، یک نهاد ابدی است و شهود وقف نیز تا ابد زنده نمی‌مانند. پس اگر شهادت به استناد شیاع منتهی به ظن، در وقف جایز نباشد، وقف به مرور زمان منتفی می‌شود (الخلاف/۶/۲۶۶)؛ برخی از فقها این نظر را این گونه توجیه کرده اند که منظور شیخ این نبوده که ظن مطلق، به طور مطلق معتبر است بلکه ایشان ظنی را معتبر می‌دانند که اعتبار آن از نظر شرعی ثابت شده باشد و شهادت دو عادل هم از نظر شرعی ثابت شده است (کشف اللثام/۱۰/۲۴۷). برخی دیگر در توجیه این نظر گفته‌اند که از نظر شیخ، علم طریقیّت دارد نه موضوعیّت؛ پس شهادت مستند به شهادت دو عادل که فی نفسه حجّت است، جایز است اگرچه افاده علم نکند (کتاب الشّهادات/۱/۲۴۸).

۲-۶- حصول ظن متآخم به علم در شیاع

برخی از فقها، در شهادت مستند به شیاع، حصول ظن متآخم به علم (علم عادی یا عرفی) را شرط می‌دانند چراکه شهادت دو شخص عادل، حجّت منصوص است؛ پس وقتی که ظن حاصل از گواهی دو شاهد که حجّت منصوص است، معتبر باشد، به طریق اولی، در شیاع، ظن متآخم به علم، معتبر و حجّت است (مسالک الافهام/۱۴/۲۳۰؛ مفاتیح الشرائع/۲۸۸/۳).^۱ برخی از حقوقدانان نیز در شیاع و استفاضه، ظن متآخم به علم را کافی می‌دانند (ادله اثبات دعوا در امور کیفری و مدنی/۱۷۷)؛ از این دیدگاه، شیاع در حقوق اسلامی، همان تحقیق محلی در حقوق موضوعه است و تحقیق محلی هم از امارات قضایی می‌باشد و امارات قضایی نیز مبتنی بر غلبه بوده، و نوعاً افاده یقین و قطع نمی‌کنند بلکه از آنها، ظن متآخم به علم حاصل می‌شود؛ پس در شیاع و استفاضه هم ظن متآخم به علم کفایت می‌کند (تعارض ادله اثبات دعوا/۲۰۷).

۱- عبارت محقق حلی در شرائع الاسلام چنین است: «ما یکفی فیہ السّماع، فالنسب و الموت و الملک المطلق لتعدّر الوقوف علیه مشاهده فی الأغلب و یتحقّق کلّ واحد من هذه بتوالی الاخبار من جماعه لا بضمّمهم قید المواعده أو یستفیض ذلک حتّی یتآخم العلم...» (اثبات و دلیل اثبات/۲۴/۲).

۳-۶- تحصیل علم بر مبنای شیاع

گروه سوم از فقها، علم را در شیاع شرط دانسته و بیان می‌دارند همان طور که در شهادت، علم و جزم معتبر است، در شیاع هم همین گونه است. به عبارت دیگر، شیاع، استثنائی بر قاعده نیست و همان طور که شهادت باید مبتنی بر علم باشد، شخصی هم که به استناد شیاع شهادت می‌دهد باید از روی آگاهی شهادت بدهد و این امر، موافق کتاب و سنت است. از این منظر، ظنّ نمی‌تواند حقیقت را آشکار کند و پیروی از ظنّ نیز نهی شده است. تعبیر این دسته از فقها چنین است که در شیاع، خبر باید از جماعتی شنیده شود که احتمال تبانی بین آنها منتفی باشد (قواعد الکلام/۳/۵۰۱؛ کشف اللثام/۱۰/۳۴۶؛ التقیح الرائع/۴/۳۱۲؛ جواهر الکلام/۱۳۴/۴۰). در این خصوص، صاحب جواهر می‌گوید: «در شهادت، علم عرفی معتبر است؛ پس شاهد، به استناد علم مبتنی بر شیاع می‌تواند شهادت بدهد، زیرا در شهادت، علم به طور مطلق معتبر است و شیاع نیز یکی از راهای عرفی وصول به علم است (جواهر الکلام/۱۳۶/۴۰).

از دیدگاه فقهی، ظنّی را که شرع معتبر دانسته است، باید در حکم علم شمرد. به تعبیر دقیق‌تر، ظنّ قوی و نزدیک به علم (متآخم به علم) از حیث اثر، مانند یقین است (اثبات و دلیل اثبات/۱۷/۲)؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که نظرات دوم و سوم که در مقام اشاره به اخبار و شهادت مبتنی بر شیاع، وجود علم عرفی را بر مبنای ظنّ متآخم به یقین و شنیدن خبر از افرادی که بیم تبانی آنها منتفی باشد کافی می‌دانند، در واقع تفاوت خاصی با یکدیگر نداشته و هر دو گروه، در عمل به نتیجه واحدی می‌رسند.

۷- قلمرو اثباتی اخبار مستند به شیاع

در این خصوص بین فقها و همچنین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد به گونه‌ای که عده‌ای، توان اثباتی گواهی مستند به شیاع را منحصر به موارد خاصی می‌دانند و در مقابل گروهی دیگر، دامنه اثباتی آن را نامحدود معرفی کرده‌اند.

۷-۱- قلمرو اثباتی محدود اخبار مستند به شیاع

عده‌ای از فقها، شیاع را منحصر به امور خاصی می‌دانند که البته در تعداد این موارد نیز بین آنها اختلاف وجود دارد. گروهی دامنه اثباتی شیاع را منحصر به هفت مورد دانسته‌اند که عبارتند: از ولایت قاضی، وقف، نکاح، عتق، نسب، موت و ملک مطلق (ارشاد الاذهان/۲/۱۶۰؛ قواعد الکلام/۳/۵۰۱؛ الرّوضه البهیة/۲۹۶؛ الزّیّده الفقهیة/۱۷۲/۴)؛ عده‌ای نیز امور قابل اثبات توسط شیاع را هشت مورد دانسته‌اند که شامل نسب، موت، زوجیت، ملک مطلق، ولاء، رقی، عتق و عدالت می‌شود (ریاض المسائل/۱۱/۳۶۶)؛ برخی دیگر نیز موارد قابل اثبات به موجب شیاع و استفاضه را بیش از این اعلام کرده‌اند که عبارتند از: عزل، ولاء، رضاع، تضرر زوجه، جرح و تعدیل، اسلام، رشد، کفر، سفه، حمل، ولادت، وصایت، حریت، دین، إعسار، لوث و غصب (کشف اللّثام/۱۰/۳۴۶).

برخی از نویسندگان معتقدند که فقط در موارد استثنائی که امکان دیدن و شنیدن نباشد (مثل تولّد) می‌توان به شهادت مستند به شیاع تمسک کرد، چون ضرورت چنین اقتضاء می‌کند (مدنی، ادله اثبات دعوا/۲۹۵)؛ نویسنده دیگری بر آن است که این نوع از شهادت، مبتنی بر مسامحه بوده و قانون نیز در این زمینه ساکت است، پس با مراجعه به فقه می‌بینیم که فقط در موارد خاصی این نوع شهادت پذیرفته شده است (بایسته‌های ادله اثبات/۲۹۵). دکتر کاتوزیان نیز معتقد است که در پاره‌ای موارد مانند ولادت، نسب، مرگ اشخاص، مالکیت، وقفیت و... جز از راه تکیه بر شهرت و اعتقاد عمومی نمی‌توان به واقع دست یافت و استماع چنین شهادتی، مورد نیاز عمومی است و عرف آن را معتبر می‌شناسد. در عین حال، می‌افزاید که مفاد ماده ۱۳۲۰ قانون مدنی درباره شرایط شهادت بر شهادت نیز مبین آن است که مقنن، علی‌الأصول و جز در شرایط خاص، اعتمادی به شاهدان غیر حضوری ندارد همچنان که در قوانین خارجی نیز جز در موارد معدود و استثنائی، چنین شهادتی را دلیل نمی‌دانند (اثبات و دلیل اثبات/۲۲/۲). دکتر متین‌دفتری نیز قائل به محدودیت امور قابل اثبات از طریق گواهی مستند به شیاع است. از نظر وی، فقط در اموری مانند تصرف و عمل به وقف و امثال آن، که دوام آن طبعاً

موجب شهرت و شیاع می شود می توان بدان استناد و عمل کرد (آئین دادرسی مدنی و بازرگانی/۴۳۷/۱).

پاره ای از حقوقدانان، پیشتر رفته و برآنند که در برخی امور کیفری و جرائم مشخص یعنی در محاربه، سرقت و قطع الطریق که در حکم محاربه است نیز استفاضه دلیل است. علت حجیت شیاع در این جرائم، اشکالات قابل ملاحظه در تحصیل دلیل برای اثبات راهزنی و سودمندی مجازات سنگین برای این جرم به جهت خصوصیت ارباب و بازدارندگی آن است؛ بنابراین کافی است هویت متهم و راهزنی که جرم به وی نسبت داده شده، احراز گردد (گلدوزیان، ادله اثبات دعوا/۳۸۱).

۲-۷- قلمرو اثباتی نامحدود اخبار مستند به شیاع

در مقابل، گروهی دیگر معتقدند که آن چه در شهادت اهمیت دارد علم است؛ خواه این علم از راه حواس بدست آید، خواه از راهای متعارف دیگر. شیاع نیز یکی از راههای حصول علم است و تفاوتی بین اسباب حصول علم نیست و شهادت به استناد شیاع، منحصر به امور خاصی مانند نکاح، ولایت و مواردی از این قبیل نیست (تحریر الوسيله/۲/۴۷۰؛ تفصیل الشریعه/۵۳۲)؛ عده‌ای نیز معتقدند که استفاضه در هر سه قسم اعتماد مردم طبق شیاع، قضاوت بر اساس شیاع و شهادت به استناد شیاع حجّت است و شیاع محصور به آن مواردی که بعضی از فقها ذکر کرده‌اند نمی‌باشد، زیرا سیره و طریقه، بر مواردی بیش از این جریان دارد. در واقع، تحقق شیاع در آن مواردی که فقها ذکر کرده‌اند، غالب است نه این که استفاضه، مخصوص و منصوص آن امور باشد؛ زیرا دلیلی متقن نداریم که شیاع در اموری معتبر باشد و در امور دیگر نامعتبر، و اختصاص استفاضه به امور خاص، خلاف ظاهر ادله است؛ بلکه ظاهر ادله این است که شیاع در غیر از آن مواردی که فقها ذکر کرده‌اند مثل ثبوت ماه و غیره، هم حجّت است (جواهر الکلام/۱۳۵/۴۰). شیخ انصاری نیز در این زمینه معتقد است که در تمام اموری که حصول علم با ظن خاص حاصل از شهادت دو فرد عادل ممکن باشد، به حکم عقل، شهادت به

استناد استفاضه نیز جایز است به شرطی که در خارج، مطابقت استفاضه با واقع و کمی تخلف آن از واقع محقق باشد (القضاء و الشهادت/۷۴).

در حقوق ایران نیز برخی از حقوقدانان، با یکی دانستن ماهیت شیع و استفاضه با تحقیق محلی برآند که در موارد قابل اثبات با استفاضه، محدودیتی به چشم نمی‌خورد و شهادت به استناد استفاضه، محدود به امور خاصی نیست (شیخ‌نیا، ادله اثبات دعوا/۱۶۴). از این منظر، حسب ماده ۱۳۲۴ ق.م.ا.م.ار. قضاوی در صورتی قابل استناد هستند که اصل دعوا به شهادت شهود قابل اثبات باشد و یا در تکمیل دلایل دیگر باشد. پس، از آنجا که حسب ماده ۲۵۵ قانون آئین دادرسی مدنی، اطلاعات حاصل از تحقیق محلی (استفاضه)، اماره قضایی تلقی می‌شوند، تمام مواردی که دعوا با شهادت شهود قابل اثبات است، با تحقیق محلی و شیع هم قابل اثبات است. البته مطابق این دیدگاه، در مواردی که به حکم قانون، تنظیم سند رسمی ضرورت دارد همچنین خلاف مندرجات اسناد رسمی و اسناد عادی را که اعتبار آنها در محکمه محرز شده است نمی‌توان به موجب گواهی اثبات کرد و طبعاً تحقیق محلی و شیع نیز همین وضعیت را دارد (حقوق مدنی/۲۶۹/۶؛ تعارض ادله اثبات دعوا/۲۰۶). در واقع، مستند این گروه، ماده ۱۳۰۹ قانون مدنی است که مقرر می‌دارد: «در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده، دعوا که مخالف با مفاد یا مندرجات آن باشد، به شهادت اثبات نمی‌گردد»^۱.

۱- شورای نگهبان در نظریه شماره ۵۲۶۵۵ مورخ ۸/۸/۶۷ که در شماره ۱۲۷۳۴ روزنامه رسمی مورخ ۲۴/۸/۶۷ درج شده است، در پاسخ به استعلام شورای عالی قضایی در مورد مشروعیت ماده ۱۳۰۹ قانون مدنی چنین گفته است: «ماده ۱۳۰۹ قانون مدنی، از این نظر که شهادت بینه شرعی را در برابر اسناد معتبر، فاقد ارزش دانسته، خلاف موازین شرع بوده و بدین وسیله ابطال می‌گردد.» از نظر برخی حقوقدانان، به دلایل مختلف از جمله این که شورای نگهبان، حسب قانون اساسی، صلاحیت ابطال قوانین مصوب مجلس را به طور مستقیم ندارد و تنها می‌تواند به هنگام تصویب، آن را به مجلس بازگرداند همچنین این که مجلس در اصلاحات مورخ ۱۳۷۰/۱۴/۸ قانون مدنی نیز ماده ۱۳۰۹ را با همان متن پیشین حفظ کرده است، باید بر آن بود که ماده مرقوم همچنان به قوت خود باقی است» (اثبات و دلیل اثبات/۶۰/۲). با وجود این و صرفنظر از بعد نظری، پس از مصوبه شورای نگهبان،

به نظر می‌رسد که گستره اثباتی اظهار مبتنی بر شیاع، از بُعد نظری، محدود به دعاوی خاصی نیست و مطلع و شاهد می‌تواند در تمام امور، به استناد حصول شیاع، شهادت بدهد چه آن که از دیدگاه فقهی، دلیلی متقن بر این که شیاع منحصر به دعاوی خاصی بوده، و در سایر موارد نامعتبر تلقی شود وجود ندارد. بدینسان، موارد احصاء شده در برخی منابع فقهی را باید از باب غلبه و احتمال وقوع بیشتر دانست، نه انحصار. از سوی دیگر، همان گونه که می‌دانیم حسب مقررات ناظر به شهادت و تحقیق محلی در قوانین مدنی و آئین دادرسی مدنی، امور قابل اثبات با این دلایل در حقوق کنونی ایران، با محدودیت خاصی مواجه نیستند؛ پس اخبار مبتنی بر شیاع نیز خواه ماهیتاً از باب ادای گواهی تلقی شود یا اطلاع حاصل از تحقیق محلی، صرفنظر از ارزش و توان اثباتی و قضایی آن، علی‌الأصول با محدودیت قانونی ویژه ای مواجه نیست. ممکن است گفته شود که چون در شهادت بر شهادت که شاهد فرعی، اطلاعات خود را از شاهد اصلی و مستقیم می‌گیرد، قانونگذار، قائل به محدودیت بوده و با رعایت شرایطی این گواهی را می‌پذیرد (ماده ۱۳۲۱ قانون مدنی و ماده ۲۳۱ قانون آئین دادرسی مدنی) پس به طریق اولی، در شهادت مبتنی بر شیاع نیز باید محدودیت وجود داشته باشد. در پاسخ باید گفت که محدودیت مذکور در خصوص شهادت بر شهادت، نه از حیث نوع موضوع و دعاوی قابل اثبات، بلکه از جهت شرط انجام آن یعنی عدم امکان حضور شاهد اصلی در دادگاه به دلایلی چون بیماری و غیبت است همچنان که ماده ۲۳۱ قانون آئین دادرسی مدنی صراحتاً کلیه دعاوی ای را که جنبه حق الناسی داشته باشند اعم از جزایی یا مدنی، از این طریق قابل اثبات دانسته است. با وجود آن چه گفته شد، در عمل، موضوعات و دعاوی قابل اثبات از طریق اخبار مبتنی

عملاً ماده ۱۳۰۹ قانون مدنی، در رویه عملی محاکم دادگستری، مورد استناد و اجرا قرار نمی‌گیرد. در عین حال، قطع نظر از جواز اصل شهادت در این مورد، مؤدای گواهی شهود از حیث توان اثبات خلاف مندرجات سند رسمی، در محاکم به سختی پذیرفته می‌شود.

بر شیاع، زیاد نیستند چرا که تحقّق شیاع، به معنای شهرت و باور عمومی نسبت به وقوع رویدادی، در پاره ای از روابط حقوقی خصوصی اشخاص منتفی است و طبعاً در این موارد نمی توان به این دلیل متمسک شد. مثلاً در بسیاری از اختلافات و دعاوی مربوط به عقود معین که موضوعات، در مرئی و منظر عموم واقع نمی شود، طبعاً اطلاع اهل محلّ و شهرت در مورد آن محقّق نمی شود و مآلاً نوبت به ادای گواهی بر اساس شیاع نمی رسد. اما باید توجه داشت که این محدودیت، صرفاً از باب عدم تحقّق شیاع در برخی امور حقوقی است و به هیچ وجه، دلالتی بر محدودیت اصل ارزش و قوه اثباتی اظهار مستند به شیاع در فرض تحقّق آن ندارد.

نتیجه گیری

در منابع فقهی، واژه شیاع که بعضاً مترادف استفاضه هم معرفی شده است، به معنای شهرت عمومی و باور رایج بین مردم است و به تعبیری، شیوع خبر، به اندازه ای که مفید ظنّ نزدیک به علم باشد شیاع نامیده می شود. در حقوق موضوعه ایران، به گواهی مستند به شیاع به عنوان یکی از ادلّه اثبات، اشاره ای نشده است. اما در فقه امامیه، ظاهراً در حجّیت و دلالت آن، تردید مهمّی وجود ندارد و فقها، ذیل عنوان کلیّ شهادت، بر این مطلب صحّه گذارده اند. با وجود این، میان شهادت و اظهار مستند به شیاع، این تفاوت مهمّ وجود دارد که برخلاف این نوع اعلامات، در شهادت، گواه به طور بی واسطه، ناظر و شاهد رویدادی بوده و بعداً اطلاعات حاصل از حواسّ ظاهری خود (غالباً مشهودات و مسموعات) را ابراز و آشکار می کند. از نظر برخی، شیاع در فقه، معادل تحقیق محلیّ در حقوق موضوعه است. به نظر می رسد در صورتی که در مقام تحقیق محلیّ، مطلعین، نه بر اساس محسوسات و استنباطات شخصی خود از موضوعی، بلکه بر اساس شهرت و باور عمومی در خصوص آن، به اظهار و گواهی بپردازند، تحقیق محلیّ و شیاع بر یکدیگر منطبق می شوند. در مورد شرایط اعتبار و قابلیت استناد به اخبار و گواهی مبتنی بر شیاع، برخی فقها، ظنّ مطلق را در شیاع کافی

دانسته اند. بعضی، حصول ظنّ متأخّم به یقین را شرط می دانند؛ پاره ای نیز اعتبار آن را مشروط به تحصیل علم دانسته اند. با تحلیلی که به عمل آمد، دیدیم که نظرات دوم و سوم، در عمل، به نتیجه ای واحد منتهی می شوند. برخی از فقها، با اختلاف نظرهایی، برای گواهی مستند به شیاع، قلمرو اثباتی محدودی قائل بوده و به احصاء دعاوی و موضوعات قابل اثبات از این طریق پرداخته اند. در مقابل، گروهی دیگر، در این خصوص، قائل به محدودیت نیستند و معتقدند که در تمام اموری که حصول علم، با شهادت دست کم دو فرد عادل ممکن باشد، به حکم عقل، شهادت به استناد ظنّ غالب ناشی از استفاضه نیز جایز است. به نظر می رسد که در حقوق ایران نیز در فرض تحقّق شیاع در روابط حقوقی، اثبات دعاوی مختلف از طریق گواهی و اخبار مستند به شیاع، با ایرادی جدّی مواجه نیست.

منابع

- قرآن کریم.

- ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، ج ۸، چ ۳، دار الفکر، بی تا.
- اصفهانی، محمد بن حسن (فاضل هندی)، **کشف اللثام عن قواعد الاحکام**، ج ۱۰، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ ق.
- امامی، سید حسن، **حقوق مدنی**، ج ۶، چ ۱۱، تهران، انتشارات اسلامیّه، ۱۳۸۵.
- آملی، میرزا محمدتقی، **مصباح الهدی فی شرح العروه الوثقی**، ج ۸، ناشر مؤلف، ۱۳۸۰ ق.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین (شیخ انصاری)، **فرائد الاصول**، ج ۱، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۹ ق.
- _____، **القضاء و الشّهادات**، قم، مجمع الفکر السلامی، ۱۴۲۸ ق.
- بحرالعلوم، محمّد بن محمدتقی، **بلغه الفقیه**، ج ۳، چ ۴، منشورات مکتبه الصادق، ۱۴۰۳ ق.
- بهرامی، بهرام، **بایسته های ادلّه اثبات**، ج ۲، تهران، انتشارات نگاه بیّنه، ۱۳۸۹.
- ترحینی عاملی، سید محمدحسن، **الزّبدّه الفقیهیه فی شرح الروضه البهیّه**، ج ۴، چ ۴، دار الفقه للطباعه و النشر، ۱۴۲۷ ق.

٤٩ _____ مطالعات فقه و حقوق اسلامی - سال ٩ - شماره ١٦ - بهار و تابستان ٩٦

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، **دائرة المعارف علوم اسلامی قضایی**، ج ١، کتابخانه گنج دانش، ١٣٨١.

- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (علامه)، **قواعد الأحكام فی معرفه الحلال و الحرام**، ج ٣، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ١٤١٣ ق.

- _____، **ارشاد الأذهان الی أحكام الایمان**، ج ٢، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ١٤١٠ ق.

- دیانی، عبدالرسول، **ادله اثبات دعوا در امور کیفری و مدنی**، تهران، نشر میزان، ١٣٨٥.

- رشتی، حبیب الله بن محمدعلی، **کتاب القضاء**، ج ١، قم، دار القرآن الکریم، ١٤٠١ ق.

- زراعت، عباس؛ حاجی زاده، حمیدرضا، **ادله اثبات دعوا**، کاشان، نشر قانون مدار، ١٣٩١.

- سبزواری، عبدالأعلی، **مهذب الأحكام**، ج ١، ج ٤، قم، مؤسسه المنار، ١٤١٣ ق.

- سنهوری، عبدالرزاق، **الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید**، ج ٢، منشأ المعارف، ١٤٢٠ ق.

- سیوری حلی، جمال الدین مقداد بن عبدالله (فاضل مقداد)، **التنقیح الرائع لمختصر الشرائع**، تحقیق سید عبدالطیف کوه کمری، ج ٤، قم، کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ١٤٠٤ ق.

- شطا البکری الدمیاطی، ابوبکر بن محمد، **إعانه الطالبین**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

- جعی عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، **مسالك الأفهام الی تنقیح شرائع الاسلام**، ج ١٤، قم، دار الهدی، بی تا.

- _____، **الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة**، ج ١٣، قم، بوستان کتاب، ١٣٦٦.

- شیخ نیا، محسن، **ادله اثبات دعوا**، ج ٣، تهران، شرکت سهامی انتشار، ١٣٧٥.

- صدرزاده افشار، سید محسن، **ادله اثبات دعوا در حقوق ایران**، ج ٤، تهران، نشر دانشگاهی، ١٣٨٥.

- طباطبائی، سید علی، **ریاض المسائل فی بیان الأحكام بالدلائل**، ج ١١، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ١٤٠٤ ق.

- طوسی، محمد بن حسن (شیخ الطائفه)، **المبسوط فی فقه الامامیه**، ج ٨، ج ٣، المكتبة المرتضویة لاحیاء الآثار الجعفریة، ١٣٨٧ ق.

- _____، **تهذیب الأحكام**، ج ٤، دار الکتب الاسلامیه، ١٣٩٠ ق.

- _____، **الخلاف**، ج ٦، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ١٤٠٧ ق.

- عاملی، یاسین عیسی، **الاصطلاحات الفقهیة فی الرسائل العملیه**، دار البلاغه و النشر و التوزیع، ١٤١٣ ق.

- عمیدی، سید عمید الدین بن محمد اعرج حسینی، **کنز الفوائد فی حلّ مشکلات القواعد**، ج ۳، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ ق.
- عمروانی، رحمان، **تعارض ادله اثبات دعوا (در امور مدنی)**، تهران، انتشارات فکر سازان، ۱۳۹۰.
- فاضل موحدی لنگرانی، محمد، **تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله**، مرکز فقهی ائمه اطهار(ع)، ۱۴۲۰ ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، **کتاب العین**، ج ۲، نشر هجرت، ۱۴۱۳ ق.
- فیض کاشانی، ملّا محسن، **مفاتیح الشرائع**، ج ۳، انتشارات کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، بی تا.
- کاتوزیان، ناصر، **اثبات و دلیل اثبات**، ج ۲، ج ۲، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷.
- کافی الکفاه، اسماعیل بن عبّاد (صاحب بن عبّاد)، **المحیط فی اللّغه**، ج ۲، عالم الکتاب، ۱۴۱۴ ق.
- گلدوزیان، ایرج، **ادله اثبات دعوا**، ج ۴، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹.
- متین دفتری، احمد، **آئین دادرسی مدنی و بازرگانی**، ج ۱، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۱.
- مدنی، سید جلال الدین، **ادله اثبات دعوا**، تهران، انتشارات پایدار، ۱۳۸۵.
- مظفر، محمدرضا، **أصول الفقه**، ج ۲، ج ۴، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۰.
- مکارم شیرازی، ناصر، **القواعد الفقهیه**، ج ۲، ج ۳، انتشارات مدرسه امیر المؤمنین(ع)، ۱۴۱۱ ق.
- موسوی خمینی، سید روح الله(امام)، **تحریر الوسیله**، ج ۲، ج ۲، مطبع الآداب، ۱۳۹۰.
- موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا، **کتاب الشّهادات**، قم، سید الشهداء، ۱۴۰۵ ق.
- نجفی، محمدحسن (صاحب جواهر)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، ج ۴۰، ج ۷، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۸ ق.
- هاشمی شاهرودی، سید علی، **دراسات فی علم الاصول**، ج ۳، تقریرات سید ابوالقاسم خوئی، قم، مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت(ع)، ۱۴۱۹ ق.
- واسطی الزبیدی الحنفی، محمد مرتضی، **تاج العروس من جواهر القاموس**، ج ۱۱، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
- وجدانی فخر، قدرت الله، **الجواهر الفخریه فی شرح الرّوضه البهیّه**، ج ۵، ج ۲، قم، سماء قلم، ۱۴۲۶ ق.
- A.Martin, Elizabeth, *Oxford Dictionary of Law*, New York University press:2006.

- A. Garner, Bryan, *Black Law Dictionary*, 8 edition, Thomson, 2004.
- Terre, Francois, *Introduction General au Droit*, Paris: Dalloz, 2000.
- *Vocabulaire Juridique*, Publie sous la direction de Gerard Cornu, Press Universitaire de France: 1996.

